

مهدی موعود در منابع اهل تسنن

در مقالات گذشته خاطر نشان ساختیم که در ادیان قبل از اسلام حتی میان اقوام و ملت‌هایی که امروز منقرض شده‌اند، پیوسته مردم در انتظار ظهور موعودی بوده‌اند، که جهان را از لوث ظلم و فساد پاک نموده، اساس عدل و مساوات و آزادی فردی و اجتماعی را چنانکه می‌باید استوار بدارد و گفتیم که هر فرقه و ملتی در تطبیق اخبار وارده و تعیین مصداق آن دچار اشتباه شده‌اند و آن موعود را از نژاد خود و پیرو آئین خویش پنداشته‌اند، در صورتیکه «او» کسی جز مهدی موعود اسلام یعنی **حجة بن الحسن العسکری علیه السلام** نیست ...

اکنون توضیح میدهم که روایات اسلامی در مدارک شیعه و سنی راجع به چنین موعودی بحد «تواتر» رسیده و چنانست که هر گونه شك و تردیدی را بر طرف ساخته، عقیده بظهور آن مصلح بزرگ جهانی را که از دودمان پیغمبر خاتم (ص) است ثابت و مدلل میدارد.

در اینجا نخست از نظریات دانشمندان اهل تسنن و مدارک آنها سخن میگوئیم. روایاتی که در منابع اهل تسنن راجع به مهدی دودمان پیغمبر آمده همه از راویان موثق آنان نقل شده‌است، مانند عمر بن الخطاب، عبدالله بن عمر، ابوهریره، انس بن مالک، ثوبان غلام عمر، عبدالرحمان، ابن عوف، ابوسعید خدری، عبدالله بن مسعود و غیر اینان که همه نزد سنیان از صحابه بزرگ پیغمبر و دانیان امت میباشند.

در روایاتی که اینان از پیغمبر (ص) نقل کرده‌اند «مهدی موعود اسلام» از دودمان آنحضرت و فرزندان علی علیه السلام و فاطمه زهرا دخت والا گهر رسول خدا (ص) شناخته شده‌است و در بسیاری از آنها تصریح شده که وی از نسل امام حسین علیه السلام میباشد.

در دوران بعد از صحابه و زمانهای بعد از آن نیز محدثین و فقهاء اهل سنت اخبار وارده در پیرامون مهدی آخر الزمان را بطرق مختلف در منابع معتبر و پر ارزش خود ثبت و ضبط کرده‌اند که از میان آنها بذكر چند تن می‌آوریم.

احمد بن حنبل متوفای سال ۲۴۱ هجری در کتاب «مسند» بخاری ۲۵۶ در «صحیح» ابو داود سیستانی ۲۵۷ در «سنن» مسلم بن حجاج نیشابوری ۲۶۱ در «صحیح» ابن ماجه قزوینی ۲۳۸ در «سنن» ابن قتیبه دینوری ۲۷۶ در «غریب الحدیث» محمد بن سوره ترمذی ۲۷۸ در «الجامع».

بطوریکه ملاحظه میشود، اینان که مؤلفین معتبرترین کتب اخبار و حدیث اهل تسنن میباشند یا پیش از ولادت امام زمان (سال ۲۵۵ هجری) یا مقارن ولادت یا اندکی بعد از ولادت آن حضرت در گذشته اند.

بعد از این عده، دانشمندان بزرگی امثال ابو نعیم اصفهانی در «اربعین» ثعلبی در «تفسیر» عبد العزیز عسکری در «فضائل الصحابه» حمیدی در «جمع بین صحیحین» حاکم نیشابوری در «مستدرک» ابن عساکر در «تاریخ» طبرانی در «معجم کبیر و معجم صغیر» حسین بن مسعود فراء در «المصابیح» دارقطنی در «مسند علی» و «مسند فاطمه» و سایرین در منابع دیگر که ذکر آن بطول میانجامد، بیش از دو بیست و پنجاه حدیث صحیح و معتبر در باره اوصاف «مهدی موعود» حسب و نسب او، عمر طولانی وی، غیبت او، اصلاح جهان در زمان او، احیای تعالیم اسلام و تبلیغ قرآن مجید بوسیله او، حکومت واحد جهانی او و عدالت بی نظیر او، که همه و همه بوسیله خود آنحضرت و در زمان وی انجام میگردد، روایت کرده اند.

عکس العمل اهل تسنن در مقابل ابن مدارك

جای بسی تعجب و موجب نهایت تأسف است که با این وصف عده ای از نویسندگان کنونی اهل تسنن و برخی از علمای متعصب آنان دانسته و ندانسته چنین واقعیتی را که در کتب معتبر و مدارك علمی آنان موجود است، بعنوان «عقیده ساخته شیعه» یا «پدیده فکری ایرانی» بشمار آورده اند!!

بخواست خداوند پاسخ این عده را در شماره بعد خواهیم داد.

برخی دیگر از علمای اهل تسنن امثال ابن ابی الحدید معتزلی اظهار عقیده کرده اند که ظهور «مهدی موعود اسلام» با اوصاف و علامات آنی که در روایات متواتر و موجود در کتب اهل تسنن آمده قطعی و مورد اعتراف اهل سنت است، ولی معلوم نیست او فرزند امام حسن عسکری باشد و میگویند او هنوز متولد نشده، در آخر الزمان متولد گشته و چنانکه در اخبار اسلامی آمده است دنیا را از قید و بند ادیگری و دوری از تعالیم دینی، نجات میدهد.

این عده نظر بان دسته از اخباری دارند که «مهدی موعود» را فقط از دو دمان پیغمبر و امیر- مؤمنان و حضرت زهرا علیهم السلام دانسته، و دیگر از آنیکه فرزند امام حسین (ع) و یا فرزند چندم آنحضرت است سخن نگفته است.

عده قلیلی از نویسندگان اهل تسنن هم متأسفانه آن همه روایات معتبر شیعه و سنی را نادیده گرفته و پاره ای روایات ضعیف و مجعول را که میگویند نام مهدی «احمد» یا «عبدالله» یا نام پدرش نام پدر پیغمبر «عبدالله» است، دستاویز قرار داده در نوشته های خود اذهان مسلمانان را نسبت باین موضوع مهم و قابل ملاحظه که کتب صحاح و مدارك معتبر اهل سنت سرشار از آنهاست

مشوب ساخته اند .

در مقابل این عده ، عده دیگری از علمای واقع بین و منصف اهل تسنن که در قرون بعد از ولادت امام زمان (ع) آمده اند ، نظر بدلائلی از جمله احادیث صحیحی که احمد حنبل در «مسند» و بخاری و ترمذی و ابوداود در «صحیح» خود و سایرین در آثار دیگر نقل کرده اند که پینمبر (ص) فرمود : **خلفای بعد از من دوازده تن میباشند، وهمگی آنها از قریش هستند** و تطبیق علائم و نشانه های مهدی منتظر اسلام با امام زمان شیعیان، آن «موعود» را **حجت بن الحسن العسکری علیه السلام** متولد در شهر سامره دانسته اند ، که درست با عقیده شیعه مطابقت دارد ، و خود رساننده کشف یک واقیعت مهم تاریخ اسلام است این عده تا آنجا که ما بنام و کتاب آنها برخورد نموده ایم بالغ بر صد نفر میباشد ا

خواستاران میتوانند بکتاب های «ینابیع الموده» تألیف دانشمند معروف سنی شیخ سلیمان حنفی و «کشف الاستار عن وجه الحجة الغائب عن الابصار» و «نجم الثاقب» تألیف محدث بزرگوار علامه نوری و «المهدی» تألیف مرحوم آیه الله صدر و «منتخب الاثر» و «مهدی موعود» مراجعه نمایند. در اینجا گفتار چند نفر از آنها که همه از مفاخر علمای اهل تسنن میباشد برای اطلاع خوانندگان نقل میکنیم .

مهدی موعود پسر امام حسن عسکری است

۱ - ابن خشاب دانشمند مشهور و نحوی و مفسر نامی متوفی بسال ۵۶۷ هجری در کتاب «موالید الائمة» با استناد خود از حضرت رضا علیه السلام نقل میکند که فرمود : خلف صالح فرزند ابومحمد حسن (العسکری) است و او مهدی صاحب الزمان است. و هم بسلسله سند از امام موسی کاظم روایت مینماید که فرمود : خلف صالح از فرزندان من است و مهدی ، اوست نامش (م ح د) کنیه اش ابوالقاسم ، در آخر الزمان ظهور میکند ؛ و نام مادرش «صیقل» میباشد .

۲ - محی الدین عربی دانشمند بزرگ و عارف معروف در چند مورد از «فتوحات مکیه» کتاب مشهور خود در این باره با صراحت هر چه تمامتر سخن گفته که از جمله بنقل عبدالوهاب شعرانی در مبحث ۶۵ کتاب «الیواقیت و الجواهر» در باب ۳۶۶ فتوحات مینویسد : بدانید که باید مهدی موعود اسلام ظهور کند ، تا دنیا را پر از عدل و داد نماید از آن پس که پراز ظلم و ستم شده باشد ، اگر یک روز از عمر دنیا نمانده باشد ، خداوند آن روز را چندان طولانی میکرداند تا آن خلیفه بیاید، و او عزت پینمبر اسلام (ص) و از فرزندان فاطمه رضی الله عنها است ؛ جدش حسین بن علی ابن ابیطالب و پدرش حسن عسکری پسر امام علی النقی و نامش نام پینمبر است ، مسلمانان هنگام ظهورش در بین رکن و مقام باوی بیعت خواهند کرد... .

- ۳ - کمال الدین ابن طلحه شافعی دانشمند عالی مقام متوفی بسال ۶۵۲ در کتاب «مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول» درباره ائمه اطهار طی دوازده باب سخن گفته و از جمله مینویسد:
- باب یازدهم** ابو محمد حسن (الفسکری) متولد در سنه ۲۳۱ (تا آنجا که میگوید) منقبت عالی و مزیت بزرگی که خداوند بوی اختصاص داده و آنرا صفت دائمی او نموده که جهان آنرا کهنه نمیگرداند و زبانهای مردم فراموش نمیکند اینست که محمد مهدی را از نسل او و پسر او قرار داده است. **باب دوازدهم** ابو القاسم محمد بن الحسن الخالص (لقب امام حسن عسکری بوده) بن علی النقی... بن زین العابدین بن الحسین بن علی مرتضی امیر المؤمنین علی بن ابیطالب، مهدی حجت، خلف صالح منتظر علیه السلام، سپس اشعاری درباره حضرت آورده است که بسیار جالب میباشد
- ۴ - علامه نامی سبط ابن الجوزی متوفی سال ۶۵۴ در کتاب «تذکره الخواص» درباره يك ائمه طاهرین سخن گفته و از جمله مینویسد: «**فصل فی ذکر الحجة المهدی** - او محمد بن الحسن بن علی بن علی... بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیهم السلام است، کنیه او ابو عبدالله و ابو القاسم است. حجت باقی و صاحب الزمان، وقائم منتظر اوست و هم او آخرین امام است. عبدالعزیز بن محمود بن یزاد از عبدالله بن عمر برای من روایت کرد که پیغمبر فرمود: مردی از فرزندان من در آخر الزمان ظهور میکند که نامش مانند نام من و کنیه اش مثل کنیه من است، او جهان را پر از عدل و داد میکند. این شخص همان مهدی است و این حدیث مشهور است...»
- ۵ - حافظ ابو عبدالله محمد بن یوسف معروف به کنجی شافعی متوفی در سال ۶۵۸ در کتاب «کفایة الطالب» که در مناقب و فضائل امیر المؤمنین علی علیه السلام نوشته، یکایک امامان از دو دمان آنحضرت را نام برده و در پایان میگوید: «ابو محمد حسن بن علی هادی علیه السلام در خانه اش واقع در سامره مدفون شد و او فرزندش امام منتظر صلوات الله علیه را بجای گذاشت و ما کتاب خود را با نام او ختم میکنیم، جداگانه راجع باو بحث مینمائیم. سپس در کتابی بنام «البيان فی اخبار صاحب الزمان» به تفصیل درباره آنحضرت سخن گفته و از جمله در باب ۲۵ میگوید: «از هنگامی که غیبت نموده تا کنون زنده است و بقاء او تا کنون مانعی ندارد...»
- ۶ - ابن صباغ مالکی دانشمند نامی متوفی سال ۸۵۵ در کتاب «الفضول المهمة فی احوال الائمة» طی دوازده فصل درباره فضائل ائمه اطهار بحث نموده و در پایان میگوید: «فصل دوازدهم درباره ابو القاسم محمد الحجج، و خلف صالح بن ابو محمد حسن، امام دوازدهم، و تاریخ ولادت، و دلائل امامت، و قسمتی از اخبار او و غیبتش، و مدت دولت وی و ذکر کنیه و نسب او و غیره» سپس به تفصیل درباره آنحضرت سخن گفته است.